

قاچاق مواد مخدر و سیاست‌های نوین سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در استان سیستان و بلوچستان

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۱۱/۱۳

تاریخ تأیید: ۱۳۹۰/۱۲/۱۵

نویسندگان: دکتر محمد باقر حشمت‌زاده^۱

مجید گله‌دار^۲

چکیده

قاچاق مواد مخدر یکی از مهم‌ترین تهدیدات علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌گردد که از همان روزهای نخستین انقلاب اسلامی دولت را با چالش‌های اساسی روبرو ساخته است. آسیب‌های امنیتی ایران در مقابله با مواد مخدر به دو دسته تقسیم می‌گردد. ابتدا موقعیت ژئوپلیتیک کشور؛ ایران از یک سو با افغانستان، به عنوان بزرگ‌ترین تولیدکننده مواد مخدر در جهان و از سوی دیگر با پاکستان به عنوان بزرگ‌ترین تولیدکننده هروئین در جهان همسایه است. از طرف دیگر ایران نزدیک‌ترین مسیر انتقال مواد مخدر به ترکیه مبدأ مسیر اروپا و کشورهای حاشیه خلیج فارس است. از طرف دیگر وجود آسیب‌هایی در مرزهای ایران (استان سیستان و بلوچستان) با دو کشور افغانستان و پاکستان باعث شده قاچاقچیان کانون اصلی توجه خود را همین مرزها قرار دهند. این امر باعث شده سپاه پاسداران که در چند نوبت بعد از انقلاب برقراری امنیت در استان را بر عهده گرفته، در رویکرد جدیدش سیاست رفع آسیب را در دستور کار خود قرار دهد. مقاله حاضر از یک سو به تهدیدات قاچاق مواد مخدر و از سوی دیگر آسیب‌های ایران در مواجهه با قاچاق مواد مخدر پرداخته و در نهایت سیاست‌ها و برنامه‌های سپاه پاسداران را در برقراری امنیت و رفع آسیب‌های امنیتی در استان مورد بررسی قرار داده است.

کلید واژه‌ها: قاچاق / مواد مخدر / امنیت ملی / تهدیدات / سیستان و بلوچستان /

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

۱. عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی Email: m-heshmu@sbu.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی

در عصر کنونی، تهدیدات امنیتی از وضعیت محدود قبلی خارج شده و مصادیق گسترده‌ای یافته است. یکی از مصادیق بارز و پذیرفته شده تهدید امنیت ملی در جهان جدید، قاچاق مواد مخدر است. در واقع از نیمسال دوم ۱۹۹۰ نگاه‌ها عمدتاً روی تبعات قاچاق سازمان‌یافته و فرا ملی کالاهای غیرمجاز مانند سیگار یا الکل و به ویژه تجارت غیرقانونی مواد مخدر به دلیل حجم و گستره عظیم آن بر روی امنیت ملی، متمرکز شده است.

حدود ۱۰ میلیون نفر در جهان در شبکه‌های مختلف قاچاق مواد مخدر اعم از تولید، ترانزیت و فروش آن فعالیت می‌کنند، تا مواد مورد نیاز بیش از ۲۲۴ میلیون نفر مصرف‌کننده مواد مخدر در جهان تأمین گردد (رحمدل، ۱۳۸۲: ۱۱۵). سود قاچاق مواد مخدر، برای قاچاقچیان عمده، سالانه بین ۵۰۰ تا ۶۰۰ میلیارد دلار و پول در گردش آن حدود ۵۰۰۰ میلیارد دلار آمریکا است (برومند، ۱۳۸۴، ۹۷).

سازمان‌های مجرمانه به انواع و اقسام سلاح‌ها از قبیل هواپیما، توپ و تانک، موشک و آرپی.جی و .. مجهزند و از ارتش مجهزی برخوردارند. سازمان‌های جنایی فراملی توانسته‌اند مهارت‌های انواع متخصصان را از بازار جهانی جلب نمایند، سلاح‌های مرگبار زیادی را همراه با بکار گیرندگان آنها خریداری کنند و به فناوری بسیار پیچیده‌ای دست یابند. این در حالی است که تمام این ابزارها زمانی عمدتاً به دولت‌ها اختصاص داشت (96: phil willam, 1994). گروه‌های جنایتکار نه تنها بازارهای غیرقانونی مواد مخدر را به جریان می‌اندازند، بلکه زنان و کودکان را به فحشاء وا می‌دارند و به منظور گسترش بازار مواد مخدر، وابستگی و اعتیاد به مواد مخدر را در بین میلیون‌ها نفر گسترش می‌دهند. ترویج اعتیاد در میان افراد جامعه بویژه جوانان، آثار اخلاقی انکارناپذیری از خود به جای می‌گذارد و به نابودی هویت جامعه منجر می‌گردد، این امر حتی در کیفیت آموزش، آثار و عواقب مخربی دارد. همه این موارد بیانگر تهدید و نقض حیات و سایر حقوق بشری و انسانی است (قربانیان، ۱۳۸۳: ۷۵)



۱. قاچاق مواد مخدر و تهدیدزایی علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

قاچاق مواد مخدر در سه حوزه امنیت سیاسی، امنیت اجتماعی و امنیت اقتصادی، امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را مورد تهدید قرار داده است که ذیلاً به صورت جداگانه به آنها می‌پردازیم:

۱-۱. قاچاق مواد مخدر و تهدید امنیت سیاسی کشور

امروزه مسئله اعتیاد در ایران تمام گستره جامعه را دربر گرفته است به طوری که سازمان ملل ایران را حائز رتبه نخست در مصرف مواد افیونی می‌داند. نرخ شیوع مصرف این مواد در ایران بالاتر از ارقام جهانی است. وزارت بهداشت نیز وضعیت اعتیاد را در ایران بحرانی می‌داند. رئیس قوه قضاییه نیز قاچاق مواد مخدر را یک تهدید جدی ملی تلقی کرده و تأسیس سازمانی مستقل با همکاری همه سازمان‌ها و وزارت‌خانه‌ها و تصویب برنامه جامع مبارزه با مواد مخدر توسط قوه مقننه و مجریه را خواستار شده و آیات عظام و مراجع تقلید نیز از وضعیت اعتیاد و مواد مخدر ابراز نگرانی کرده‌اند (مرتضوی، ۱۳۸۲: ۱۱۷).

بی تردید شیوع اعتیاد به مواد مخدر جزو اهداف اساسی دشمنان قسم‌خورده جمهوری اسلامی ایران به ویژه آمریکا است. این هدف از سال‌ها قبل در مورد ایران پیگیری شده است. به طوری که در اوج پیروزی‌های درخشان ایران در جنگ تحمیلی، ریچارد مورفی، قائم مقام وزارت خارجه آمریکا، برای تحلیل جامع انقلاب ایران به کشور عربستان عزیمت نمود و پس از ۴۵ روز گزارشی ارائه داد مبنی بر اینکه ضربه‌های خارجی، انقلاب اسلامی را محکم نموده و برای مقابله با آن فقط دو راهکار ترویج مواد مخدر و ترویج فساد و فحشا باقی مانده است (محبوبی‌منش، ۱۳۸۲: ۸۵). در زمان طالبان رهبران طالبان شرعاً تولید مواد مخدر و ارسال آن را به کشورهایمانند ایران، برای ضربه زدن به نظام و به تباهی کشاندن جوانان کشور، حلال و مباح اعلام کردند. از طرف دیگر قاچاق، به عنوان ابزاری برای اعمال فشار و امتیازگیری از ایران و سایر کشورهای منطقه به شمار می‌رفت. به گفته یکی از تحلیل‌گران، طالبان از تولید و قاچاق مواد مخدر اهداف سیاسی دنبال کرده و درصدد بسط نفوذ و تحمیل



خویش به کشورهای منطقه بویژه ایران بوده‌اند. به گونه‌ای که حتی ملاعمر رهبر طالبان توقف تولید و قاچاق مواد مخدر را به پذیرش و به رسمیت شناخته شدن این گروه به وسیله سایر کشورها از جمله ایران منوط کرد.

امروزه نیز با وجود حضور چشمگیر نظامیان آمریکایی و کشورهای غربی در افغانستان و ادعای آنها در مقابله با تولید و قاچاق مواد مخدر، کشت خشخاش و تولید مواد مخدر در این کشور مجدداً افزایش یافته است به گونه‌ای که تصور می‌شود، آنها به صورت غیرمستقیم موضوع کشت این گونه مواد را مدیریت می‌کنند. کشت خشخاش در استان‌های غرب و جنوب غرب افغانستان مانند استان‌های فراه و نیمروز کاملاً حساب شده و در جهت اعمال فشار به جمهوری اسلامی ایران صورت می‌گیرد. این ابزار به عنوان یک برگ برنده در معادلات دیپلماتیک بین ایران و غرب نیز مورد بهره‌برداری واقع می‌شود. به طوری که در رأی‌زنی‌های انرژی هسته‌ای یکی از پیشنهادات غرب به ایران، کمک به ایران برای مقابله با مواد مخدر بوده است. از طرف دیگر وجود اعتیاد گسترده در جامعه باعث نگرانی مردم و کاهش مشروعیت حکومت می‌شود. طبق گفته دکتر هاشمی، دبیر ستاد مبارزه با مواد مخدر، بر طبق یک پیمایش، اعتیاد در ایران سومین دغدغه جامعه ایرانی بعد از بیکاری و تورم است. مسلماً با وجود چنین نگرشی، انتظار از دولت برای حل این معضل بسیار بالاست و چنانچه دولت نتواند مسئله اعتیاد را در جامعه مدیریت نماید باید منتظر کاهش مشروعیت خود باشد (هاشمی، ۱۳۸۲: ۴۳). اگر چهار میلیون مصرف کننده (حدافل یک بار در سال از هر نوع ماده مخدر و روانگردان) در جامعه باشد و میانگین خانوار آنها ۵ نفر باشد، ۲۰ میلیون نفر ایرانی در خانواده خود یک نفر که مواد مصرف می‌کند را دارند و از آن نگرانند. به گفته دبیر سابق ستاد مبارزه با مواد مخدر، ۱۵ میلیون ایرانی در معرض مصرف مواد قرار دارند و این نگرانی گسترده‌ای را برای خانواده‌ها ایجاد کرده و انتظارات از دولت را در این زمینه بسیار بالا برده است (<http://dchq.ir>).

در این میان، مخالفان نظام جمهوری اسلامی نیز از این امر غافل نمانده، برای ضربه زدن به نظام و نامشروع ساختن حکومت از آن بهره‌برداری می‌کنند. مخالفان سعی دارند تا گسترش اعتیاد در ایران را یک برنامه از پیش طراحی شده از سوی نظام برای سرکوب جوانان مخالف خود معرفی نمایند (www.dw-world.de). از

طرف دیگر کشورهای غربی به جای کمک به کشورمان که در حدود ۸۰ درصد از تریاک جهانی را کشف و ضبط می‌کند و خود قربانی قاچاقچیان است که از کشورمان عبور می‌کنند در جهت فشار به کشورمان سعی می‌کنند کاروان‌های قاچاق مواد مخدری را که از ایران عبور می‌نمایند تحت حمایت دولت ایران و یا برخی نهادهای کشور همچون سپاه پاسداران انقلاب اسلامی معرفی نمایند. در سایت ویکی‌لیکس که جدیداً نگرش‌ها و داده‌های سیا را انتشار داده، از مشارکت دولت جمهوری اسلامی ایران در قاچاق مواد مخدر به آذربایجان و قفقاز سخن رفته است تا از این طریق ضمن گسترش مخالفت کشورهای منطقه و تعقیب سیاست منزوی‌سازی ایران در منطقه، ممانعت از دریافت تجهیزات جدید برای مبارزه با مواد مخدر توسط کشورمان را توجیه و ایران را تحت فشار قرار دهند.

ارائه کمک‌های اقتصادی به مردم توسط قاچاقچیان در استان‌هایی نظیر سیستان و بلوچستان با هدف جلب وفاداری آنان در جهت تسهیل امر قاچاق نیز از جمله ترفندهایی است که ضمن کاهش همکاری مردم بومی با مسئولین و حتی ایجاد احساسات ضددولتی، نتایج سیاسی نیز به دنبال داشته است. حوادث دلخراشی همچون حادثه تاسوکی حکایت از جدی بودن این گونه تهدیدات دارد.

برخی از اشرار قاچاقچی برای کسب وجهه و مشروعیت بخشیدن به اعمالشان در داخل و خارج و تطهیر خود از فجایع قبلی کوشیده‌اند به فعالیت‌های خود بعد سیاسی بخشند. آنها با توجه به وجود شکاف‌های اجتماعی مناطقی مانند سیستان و بلوچستان با دولت مرکزی (مانند شکاف‌های قومی، زبانی و مذهبی) می‌کوشند با دامن زدن و تقویت تضادها، خود را به نیروهای اجتماعی و مردمی بدل سازند و به خود مشروعیت بخشند به طوری که مسئله شرارت قاچاقچیان بارها به مقوله سیاسی تبدیل شده است. آنان سعی کرده‌اند با توجه به وجود شکاف‌های قومی - مذهبی و زبانی مردم منطقه با حکومت مرکزی، خود را به پایگاه‌های مردمی نزدیک ساخته و کارهای خود را مشروع جلوه دهند. قاچاقچیان معروفی چون نورمحمد ناروئی و شمس‌الدین سالار زهی توانسته‌اند با توسل به این حربه و تحریک احساسات مذهبی مردم و با داعیه حمایت از حقوق سیاسی و مذهبی مردم اهل سنت سیستان، غائله‌هایی را تا حد تجزیه‌طلبی



در طی دهه ۱۳۶۰ و ۷۰ در منطقه برپا کنند(قربانیان، ۱۳۸۳: ۱۵۰).

همچنین استفاده از توان نظامی قاچاقچیان مسلح و اشرار، از نظر گروه‌های مخالف نظام مغفول نمانده است. در این راستا، قاچاقچیان به عنوان یکی از بازوهای اجرایی مخالفان نظام و تروریست‌ها عمل کرده‌اند. به عنوان مثال، طی دهه‌های ۶۰ و ۷۰ گروه‌های کوچک تجزیه‌طلب بلوچ مورد حمایت برخی کشورهای منطقه بودند. این کشورها، ضمن اعتراض به مقابله مقتدرانه نظام با قاچاق مواد مخدر، آن را پوششی برای سرکوب مردم بلوچستان قلمداد می‌کنند(حق‌پناه، ۱۳۸۳: ۱۶۱).

قاچاقچیان مواد مخدر تنها به ترانزیت مواد مخدر نمی‌پردازند؛ بلکه هر آنچه که منافع این گروه‌ها را تأمین کند از نظر آنها دور نمانده است. استان سیستان و بلوچستان صدها بار شاهد گروگان‌گیری، راه‌بندان و اخاذی از سوی قاچاقچیان مواد مخدر بوده است. گروگان گرفتن مسافرین اتوبوس‌ها برای اخذ پول از روش‌های متداول این گروه‌هاست. این گروگان‌گیری حتی شامل مأموران دولتی نیز می‌شود. قاچاقچیان به طور عمد دست به گروگان‌گیری اتباع کشورهای خارجی نیز می‌زنند. انعکاس گسترده این اخبار در جهان ضمن ناامن جلوه دادن ایران نزد جهانیان، باعث کاهش مشروعیت و ناکارآمد نشان دادن حکومت ایران می‌شود. قاچاق مواد مخدر همواره با قتل، شرارت، آدم ربایی و گروگان‌گیری همراه بوده است. طبق اعلام دبیر ستاد مبارزه با مواد مخدر، رویدادهای ضدامنیتی و ناامنی در شرق کشور در بین سال‌های ۱۳۷۵ - ۱۳۸۱، ۲۰,۰۰۰ مورد بوده که با مقایسه آن با سایر استان‌ها می‌توان به ارتباط بین قاچاق و شرارت و ناامنی پی برد(قربانیان، ۱۳۸۳: ۱۲۹).

تداوم ناامنی در این مناطق، مشروعیت حکومت را در این مناطق کاهش خواهد داد و با توجه به مرزی بودن و وجود تفاوت‌های قومی و زبانی، حتی احتمال بروز حرکت‌های تجزیه‌طلبانه را نیز افزایش می‌دهد. این گروه‌ها سعی دارند خود را حامی مردم بلوچستان نشان دهند. قتل شیعیان و مأموران انتظامی در این استان هدف‌دار بوده و به گفته یکی از نمایندگان استان، این اقدامات برای فراری دادن مسئولان نظام و بدست گرفتن کل استان توسط این گروه‌ها صورت می‌گیرند. همانطور که سردار احمدی مقدم بیان کرده پیوستگی مواد مخدر، شرارت و تروریسم ایجاب می‌کند به صورت ریشه‌ای و اساسی به این مساله نگریسته شود(<http://dchq.ir>).

۲-۱. قاچاق مواد مخدر و تهدید امنیت اجتماعی کشور

طبق گزارش‌های آماری، طی دهه اخیر در ایران به طور متوسط در هر ۹ دقیقه یک نفر قاچاقچی مواد مخدر، در هر ۵ دقیقه یک مورد دستگیری فرد معتاد، در هر ۹ ساعت کشف یک قبضه سلاح، در هر ۱۰ ساعت یک مورد درگیری مسلحانه در ارتباط با مواد مخدر و انهدام یک باند قاچاق مواد مخدر، در هر ۱۱ ساعت فوت یک نفر در اثر مصرف مواد مخدر، در هر ۲۰ ساعت هلاکت یک قاچاقچی و در هر ۵۹ ساعت شهادت یک نفر در امر مبارزه با مواد مخدر اتفاق می‌افتد، که اینها همگی بیانگر گستره ایجاد ناامنی اجتماعی حاصل از اعتیاد و قاچاق در جامعه است.

تحقیقات نشان می‌دهد تا سال ۱۳۸۰، ۱۰ درصد از جرایم مالی، ۶۸ درصد از مبتلایان به ایدز، ۳۰ درصد از جرایم منکراتی، ۲۵ درصد از قتل‌ها، ۲۷ درصد از قاچاق کالاها به شکل مستقیم و غیرمستقیم به مواد مخدر و اعتیاد مربوط می‌گردد (محبوبی منش، ۱۳۸۲: ۸۴-۸۲). طبق اعلام دبیر ستاد مبارزه با مواد مخدر، ۷۰ درصد مفاسد کشور با مواد مخدر مرتبط است (قربانیان، ۱۳۸۳: ۱۳۴).

۵۰ درصد طلاق‌ها، ۳۰ درصد کودک آزاری‌ها، ۶۵ درصد بزهکاری‌های مختلف به علت مصرف مواد مخدر صورت می‌گیرد که این خود باعث تشدید دیگر آسیب‌های اجتماعی شده و هزینه‌های مادی و معنوی زیادی را بر جامعه تحمیل می‌کند. از سوی دیگر در دوهه اخیر ۱۰ هزار قاچاقچی طی عملیات نیروی‌های نظامی یا پس از دستگیری کشته یا اعدام شده‌اند که این خود، باعث شده ۱۰ هزار خانواده با مشکل مواد مخدر درگیر شوند و عوارض زیادی بر جامعه تحمیل نموده است (بوالوردی، ۱۳۸۴: ۲۱۵).

قاچاقچیان مواد مخدر به انواع تجهیزات مدرن روز مسلح می‌باشند. قاچاقچیان از این تجهیزات ممکن است برای حفظ حوزه‌های نفوذ خود در رقابت با سایر رقبا، تسویه حساب با بدهکاران یا برای مقابله با دولت و تحت فشار قرار دادن آن استفاده کنند. وجود چنین تجهیزاتی در دست آنان، امنیت عمومی شهروندان را به شدت تهدید می‌کند. ایران تاکنون نزدیک به ۳۷۰۰ شهید و ۱۲ هزار مجروح برای مبارزه با مواد مخدر داده است. در مورد جامعه نیز این امر صادق است. یکی از اعضای قبیله نارویی در سال ۱۳۷۲، به خونخواهی بستگانش، طی قتل عام فجیعی تعداد زیادی از



سکنه روستایی واقع در داراب فارس را از پای درآورد (جعفر حق پناه، ۱۳۸۳: ۱۵۸). در شرق کشور، حدود ۴۹۰ تا ۵۰۰ باند فعال متشکل از اشرار قاچاقچی فعالیت می‌کنند. در طی این مدت ۹۵۷۳ درگیری مسلحانه رخ داده و ۱۱۷۲ باند، گروه و شبکه ورود، تهیه و توزیع مواد مخدر متلاشی شده و ۳۹۶۹ نفر از اشرار مسلح کشته شده‌اند. (<http://www.farsnews.com>).

۳-۱. قاچاق مواد مخدر و تهدید اقتصاد ملی

هزینه‌های اقتصادی مواد مخدر تنها شامل هزینه‌های مصرفی که توسط فرد معتاد پرداخت می‌شود، نیست. بلکه مواد مخدر هزینه‌های جانبی زیادی هم برای دولت و هم برای جوامع ایجاد می‌کند. هزینه‌های مواد مخدر: شامل ۱. هزینه‌ها و خسارت‌های ناشی از مبارزه فیزیکی با قاچاق مواد مخدر و اعتیاد، ۲. هزینه‌های درمان، نگهداری و بازپروری معتادان، ۳. هزینه‌های پیش‌گیری از قاچاق و اعتیاد (شامل هزینه‌های آموزشی، فرهنگی، رسانه‌ای و...)، ۴. هزینه‌های بهداشتی، ۵. هزینه‌های جانبی ناشی از خشونت و بزهکاری، سرقت، باج‌گیری و تصادفات رانندگی و ...، ۶. از بین رفتن نیروی کار به عنوان مهم‌ترین عامل توسعه، ۷. هزینه کمک به خانواده معتادان، ۸. فرار سرمایه‌ها به دلیل ناامن جلوه دادن فضا به ویژه در مناطق مرزی؛ و ۹. کاهش توریسم به عنوان یکی از منابع مهم درآمد ملی در هر کشور، و هزاران هزینه دیگر را شامل می‌شود که به طور مستقیم و غیر مستقیم بر اقتصاد ملی تحمیل می‌شود. افیون مواد مخدر، سالانه ۱۱ میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلار هزینه اقتصادی و اجتماعی روی دست حکومت ایران می‌گذارد. تنها در یک سال گذشته، ۲۰۰ میلیون دلار صرف بستن مرزهای کشور برای مقابله با قاچاق مواد مخدر شده است. صرف صدها میلیون دلار در راه مبارزه با قاچاقچیان، زندان‌ها و غیره در کشور برای مبارزه با باندهای مواد مخدر مجهز به سلاح‌های سبک، نیمه‌سنگین، پیشرفته، آزمایشگاه‌های تولید مواد مخدر، در کنار شهادت بیش از ۳۷۰۰ نفر را نباید از نظر دور داشت. با وضعیت موجود ایران شاید تنها کشوری باشد که در مقابل ۱۶۵ هزار هکتار زمین زیر کشت خشخاش رفته همسایه خود، افغانستان که همچنان ۵۹ درصد افزایش نسبت به گذشته دارد، باید سال‌های سال و شاید تا ابد به مبارزه با مواد مخدر بپردازد.



۱۶۲

سال اول
شماره ۱
بهار ۱۳۹۱

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به رغم این که سالانه بیش از ۷۰۰ میلیارد تومان صرف مبارزه با قاچاق مواد مخدر شده و بیش از چهار هزار میلیارد ریال اعتبار دستگاه‌های اجرایی کشور صرف مبارزه با این پدیده گردیده، با این حال توانمندی قاچاقچیان و شمار معتادان روبه فزونی گذاشته و توفیق کاملی در این زمینه حاصل نشده است. به گونه‌ای که تعداد مصرف‌کنندگان مواد مخدر به ۴ میلیون نفر رسیده است (بینا، ۱۳۸۷).

هزینه کشف هر کیلو گرم از مواد مخدر در در ایران. حدود ۳۰۰ تا ۵۰۰ دلار است. ایران در سال ۲۰۰۹ طبق گزارش سازمان ملل ۴۲۷،۱۴۷ کیلو گرم ضبط تریاک را داشته است. اگر میانگین هزینه را ۴۰۰ دلار در نظر بگیریم بیش از ۱۶۰ میلیون دلار هزینه ضبط تنها تریاک در کشورمان است (بوالوردی، ۱۳۸۴: ۲۰۵). چنین هزینه‌هایی برای کشوری مثل ایران که در حال توسعه بوده و مورد خشم قدرت‌های بزرگ جهانی بوده که مانع از سرمایه‌گذاری‌های خارجی در کشور می‌گردند، کمر شکن بوده و سرعت توسعه را به شدت کاهش می‌دهد.

۲. آسیب‌های قاچاق مواد مخدر بر جمهوری اسلامی ایران

آسیب‌های وارده بر جمهوری اسلامی ایران از طریق قاچاق مواد مخدر را در قالب دو دسته آسیب می‌توان دسته‌بندی کرد: آسیب‌های بیرونی یعنی آسیب‌های خارج از مرزها که از شرایط ژئوپلیتیکی منطقه‌ای که کشورمان در آن واقع شده نشأت می‌گیرد و دیگری آسیب‌های داخلی که به مرزهای کشور و شرایط داخلی مربوط است. از آنجایی که آسیب‌های بیرونی اجتناب‌ناپذیر بوده و تغییر موقعیت ژئوپلیتیکی کشور امکان‌پذیر نیست در اینجا به آسیب‌های داخلی کشور می‌پردازیم که رفع این آسیب‌ها موفقیت کشور را در مقابله با مواد مخدر افزایش خواهد داد.

استان سیستان و بلوچستان دروازه ورود مواد مخدر به کشورمان می‌باشد. علت این امر انتقال کشت و تولید مواد مخدر به جنوب افغانستان و مرزهای سیستان می‌باشد. از یک طرف مرزهای جنوبی افغانستان جزء مناطق خودمختار قبیله‌ای می‌باشد که حکومت مرکزی نفوذ چندانی در این ناحیه ندارد و از طرف دیگر جنوب افغانستان به مناطق کوهستانی و قباایل خودمختار پاکستان متصل می‌باشد که تریاک تولیدی در افغانستان



در لابراتورهای موجود در این منطقه به هرئوئین تبدیل می‌گردد. قبایل ساکن در این ناحیه دارای اشتراکات قومی، زبانی، مذهبی و حتی خانوادگی بوده و دارای تعاملات گسترده‌ای می‌باشند که این امر قبایل ساکن در ایران نیز شامل می‌شود. قاچاقچیان مواد مخدر از سه عامل در منطقه بهره می‌برند که بدون این عوامل، موفقیت قاچاقچیان بعید به نظر می‌رسد. این سه آسیب برای هر سه کشور ایران، افغانستان و پاکستان در بسیاری از موارد مشترک می‌باشد که عبارتند از شرایط جغرافیایی، فرهنگی و اقتصادی.

۱-۲. آسیب‌های جغرافیایی در استان سیستان و بلوچستان

شرایط کوهستانی در مرز، بیابانی بودن استان و فواصل بسیار دور نقاط شهری و روستایی از یکدیگر، اتصال استان به دشت‌های کویر و لوت و شرایط بیابانی استان‌های مجاور از جمله شرایط جغرافیایی است که به قاچاقچیان این امکان را می‌دهد که به راحتی کاروان‌های قاچاق مواد مخدر را از مرز عبور داده و تا عمق کشور و مرزهای غربی کشور انتقال دهند.

همانطور که گفته شد استان سیستان و بلوچستان متشکل از دو اقلیم سیستان و بلوچستان است. ناحیه بلوچستان که دارای تفاوت‌های فرهنگی - زبانی و فقر اقتصادی بیشتری نسبت به قسمت شمالی است به مساحت ۱۷۹۳۸۵ کیلومتر مربع منطقه وسیعی است که حد شمالی آن کویر لوت و حد جنوبی آن دریای عمان است که منطقه‌ای کاملاً کوهستانی و دور از دسترس است. اولاً زمان زیادی با توجه به مسافت بسیار دور نیروهای انتظامی از مرز و فقدان انسداد مرزی، لازم است که نیروهای انتظامی به مرز برسند و در ثانی نیروهای انتظامی چه در حالت زمینی و چه حالت هوایی در شرایط کوهستانی بسیار آسیب‌پذیر هستند. قاچاقچیان از طریق اختفاء در کوه به راحتی می‌توانند از طریق تجهیزات پیشرفته‌ای از قبیل بازوکا، آر.پی. جی و حتی موشک، هلیکوپترها و تجهیزات نیروهای انتظامی را مورد هدف قرار دهند و اصولاً درگیری در این شرایط بسیار هزینه‌بر و خطرناک است. از طرف دیگر انسداد دائم مرز شکل نگرفته است و استقرار موقت نیرو آن هم در سطح حتی چند نفری نیز سخت است. از آنجایی که این نیروها نیاز به استراحت، تعویض و تجهیزات و پشتیبانی در هنگام درگیری دارند و بعد مسافت باعث می‌گردد که نتوان

نیروهای مستقر در مرز را مورد حمایت قرار داد، عملاً مرز فاقد نیرو و رها شده است و نیروهای انتظامی در داخل کشور به مقابله با قاچاقچیان می‌پردازند.

بسیاری از روستاها در نزدیکی مرزها واقع شده‌اند. برخی از روستاها در نقطه صفر مرزی به دو قسمت تقسیم شده‌اند به طوری که قسمتی از روستا متعلق به پاکستان و قسمت دیگر متعلق به جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. وجود چنین شرایطی باعث می‌گردد قاچاقچیان به راحتی به این یا آن سوی مرز یا به عبارت بهتر به آن سوی روستا حرکت نمایند در حالی که نیروهای انتظامی نمی‌توانند آنان را در آن سوی روستا و خاک همسایه تعقیب نمایند.

هر چند طبق قانون باید روستاها از خط قرمز مرزی دارای فاصله‌ای در حدود دویست متر تا دو کیلومتر داشته باشند، با این حال در بسیاری از مناطق این فاصله رعایت نشده و حتی وجود چنین فاصله اندک مرزی از جمله آسیب‌های کشور در مقابله با قاچاق مواد مخدر و تردهای غیر مجاز است. طبق آئین‌نامه ستاد مبارزه با مواد مخدر، روستاها و سیاه چادرهایی که دارای سابقه سوء بوده یا توجیه اقتصادی کافی برای وجودشان نیست به مکان‌هایی که توسط ستاد و سایر مراکز مرتبط تعیین می‌گردد، جابه جا می‌گردند. با این تصویب انتظار می‌رفت روستاها و سیاه چادرهایی که در کار قاچاق مواد مخدر فعال بوده‌اند، برچیده شوند. اما این قانون با مخالفت مجلس مواجه شد چراکه چنین اقدامی ممکن است باعث تحریکات قومی در این استان گردد. علیرغم ایجاد شهرک‌های مختلف برای بسیاری از عشایر و روستاییان در مکان‌های مناسب و دور از مرز و ارائه امکانات و مساعدت‌های مختلف برای انتقال آنان به مکان‌های غیرمرزی هنوز موفقیتی در این زمینه حاصل نشده است. زیرا جابه جایی آنان منوط به اراده و خواست خود آنان است. این در حالی است که منافع ناشی از استقرار در مناطق مرزی و همکاری با قاچاقچیان بسیار فراتر از مشوق‌های حکومتی است.

آسیب دیگر این استان، سیاه‌چادرهایی است که در اقصی نقاط بیابان‌ها و در طول مرز این استان ایجاد شده است. پراکندگی آنان در سطح استان و مهم‌تر از آن حرکت این بیابانگردها در دوسوی مرزها در طول سال است. برخی از این سیاه‌چادرها و عشایر اصیل و قدیمی نبوده بلکه توسط خود قاچاقچیان ایجاد و حمایت می‌شوند. همانطور که اشاره شد برای مثال عشایر ریگی بیلاق خود را در کوهستان‌های پاکستان



سپری می‌کنند و بقیه ایام سال را به ایران کوچ می‌کنند. ورود و خروج آنها از مرزهای ملی پیامدهای ناخواسته منفی بسیاری بر کشور دارد و یکی از عوامل تسهیل‌گر و اساسی در حمل مواد مخدر و کمک به قاچاقچیان محسوب می‌گردد. وسعت برخی از این سیاه‌چادرها نشان می‌دهد که نمی‌تواند ماهیت اقتصادی یا اصیل داشته باشند. کاروان‌های قاچاق مواد مخدر و واردشوندگان غیرمجاز به داخل کشور به دلیل شرایط سخت آب و هوایی و طبیعی، که طی مسافت‌های طولانی را غیرممکن می‌سازد نیازمند یک منبع حمایتی جهت تأمین نیازهای خود از قبیل سوخت، مواد غذایی، اطلاع از وضعیت راه‌ها و نیروهای انتظامی، مکان‌هایی برای اختفاء مداوم برای پنهان ماندن از دید دوربین‌های مرزبانی و گشتی‌های زمینی و هوایی‌اند. از طرف دیگر زمانی که شرایط طوفانی و یا گرم مانع از تداوم حرکت آنها باشد یا به دلیل شرایط سخت انتظامی مجبور گردند مدتی مواد مخدر خود را انبار کنند، در تمام این موارد روستاها و سیاه‌چادرها و عشایر پراکنده در استان و به ویژه در حاشیه مرزی نقش برجسته‌ای بازی می‌کنند. قاچاقچیان از طریق همین روستاها و عشایر، مواد مخدر را قدم به قدم وارد استان کرده و از آنجا از طریق بیان‌های دشت کویر و لوت و استان‌های کرمان و فارس به مرکزی‌ترین نقاط کشور یا حتی مرزهای غربی برای انتقال آن به اروپا و خلیج فارس حمل می‌کنند.

از طرف دیگر، این روستاها و عشایر دلایل متعددی برای همکاری با قاچاقچیان دارند. قاچاقچیان متعلق به یکی از قبایل یا حتی از سرشناسان و سران این قبایل می‌باشد که معمولاً داعیه سیاسی حمایت از قوم بلوچ در مقابل حکومت مرکزی را دارند. بنابراین با توجه به ارزش‌های قبیله‌ای حمایت از اعضای قبیله یک امر حیثیتی است. این امر در همکاری روستاها و عشایر با قاچاقچیان مؤثر است. از طرف دیگر، این روستاها و عشایر منافع مختلفی در همکاری با قاچاقچیان دارند. رؤسای قبایل که تعیین‌کننده‌ترین عامل در تعیین جهت‌گیری‌های مردم هستند، بعضاً منافع زیادی از قاچاق مواد مخدر و قاچاقچیان به دست می‌آورند. برخی از این رؤسا از قاچاقچیان مبلغی برای گذار آنان از زمین‌شان در هنگام عبور یا خروج از مرز دریافت می‌کنند. در واقع واردشوندگان از مرز یا خارج شونده‌گان از مرز به دلیل عبور از زمین‌های آنان باید مقداری پول بپردازند. در مقابل، این افراد برای تداوم درآمدهای خود از

قاچاقچیان و عبور کنندگان از مرز از طریق قبیله خود به اشکال مختلف حمایت می‌کنند. البته این امر به رئسای قبایل پاکستان مربوط می‌گردد.

آسیب دیگر، گسترده‌گی مناطق بیابانی است. این استان پهناورترین استان کشور است و به تنهایی ۴/۱۱ درصد از خاک کشور را به خود اختصاص داده است. استان متشکل است از سه اقلیم بیابانی، نیمه‌بیابانی و غیربیابان است. مساحت بیابان، نیمه‌بیابان و غیربیابان به ترتیب برابر ۶۰۲۸۳.۹۰ (۲/۳۳ درصد سطح استان) و ۱۰۴۰۴۴/۲ (۳/۵۷ درصد) و ۱۵۲۵۲/۵۰ (۴/۸ درصد سطح استان) کیلومتر مربع می‌باشد. شرایط بیابانی استان اجازه می‌دهد قاچاقچیان بدون نیاز به استفاده از راه‌های کشور که نیروی انتظامی در آنجا مستقر است از دل دشت‌ها و بیابان بدون کمترین ریسک، محموله‌های خود را به سایر استان‌ها انتقال دهند.

۲-۲. آسیب‌های فرهنگی در استان سیستان و بلوچستان

استان سیستان و بلوچستان از دو قوم بلوچ و سیستانی (فارس) متشکل می‌باشد. در این استان حدود ۴۰۰ ایل، طایفه، تیره و عشیره حضور دارند که حالت سلسله مراتبی دارند. هر ایل دارای چندین طایفه و هر طایفه از چندین تیره و عشیره متشکل است که در سه کشور ایران، افغانستان و پاکستان پراکنده شده‌اند. همه قبایل دارای نسبت فامیلی و خانوادگی بوده و از فرهنگ قبیله‌ای و تعصبات بسیار قوی قومی در دو سوی مرزها نسبت به یکدیگر برخوردارند. قبیله منبع حمایتی فرد است که هنگام درگیری‌ها، جا به جایی‌ها و ... انتظار حمایتی دارد. افراد قبایل دارای روابط گسترده‌ای در دو سوی مرزها می‌باشند و ازدواج افراد بین دو سوی مرزها متداول است. در چنین شرایطی موضوعات فردی همچون درگیری دو فرد به موضوعی قبیله‌ای تبدیل می‌شود و کل قبیله را درگیر می‌کند. چنانچه یک فرد مجرم متعلق به قبیله، به آن وارد شود کاملاً تحت حمایت قبیله است و امکان دستگیری آن بسیار دشوار و حتی غیرممکن است. این امر تا جایی است که در کشورهای پاکستان و افغانستان مناطق متعلق به این قبایل جزء مناطق خودمختار محسوب می‌شود و حکومت مرکزی دارای چندان نفوذی در آن مناطق نیست همین امر باعث گردیده که این مناطق به محل تولید مواد مخدر و تبدیل آن به هروئین و مکانی مناسب برای فعالیت گروه‌های تروریستی و قاچاق مواد مخدر باشد.



اکثر قاجاقچیان بزرگی که به کار حمل مواد مخدر می‌پردازند یا از سران این قبایل بوده یا حمایت سران را با خود دارند. و یا از اعضای این قبایل می‌باشند. تعصبات شدیدی قبیله‌ای یکی از مهم‌ترین امتیازات قاجاقچیان در برابر نیروهای دولتی می‌باشد. اشتراکات قومی در دو سوی مرزها، پراکندگی قبایل در کل استان و مرزهای سه کشور، تعصبات قبیله‌ای و روابط گسترده و رفت و آمدهای بدون مجوز و نظارت در دو سوی مرزها، عملاً به اندازه کل سکونت‌گاهها، روستاها، عشایر و سیاه‌چادرها برای قاجاقچیان پایگاه‌های حمایتی، انبار مواد در طول مسیر، تأمین سوخت و نیازهای غذایی، خبرچین‌ها و اطلاع‌دهنده‌های مسیر و حامیان مسلح فراهم کرده است. این امر باعث می‌گردد که با ورود قاجاقچی به داخل روستا یا عشایر، یافتن و دستگیر کردن وی بسیار دشوار یا حتی غیرممکن باشد.

۳-۲. آسیب‌های اقتصادی استان سیستان و بلوچستان

استان سیستان و بلوچستان از استان‌های کم رونق و عقب‌مانده کشور محسوب می‌گردد. این استان از نظر شاخص‌های اقتصادی جزء چهار استان توسعه نیافته محسوب می‌گردد. این استان از نظر شاخص بیکاری جزء سه استان دارای بیشترین بیکار محسوب می‌گردد. این امر دلایل متعددی دارد. استان سیستان و بلوچستان علیرغم دارا بودن ۱۱.۴ درصد از مساحت کشور و مساحت گسترده فضایی، از بخش کشاورزی به عنوان بخشی که بیشترین حجم نیروی کار را در اکثر استان‌ها در خود دارد، کم بهره است. کشاورزی در این استان در مناطق خاص و محدود به گیاهان و درختان خاصی چون خرما، پسته و غیره می‌باشد. به دلیل فقدان پوشش گیاهی مناسب، دامداری و پرورش دام نیز در این استان بسیار محدود و حیواناتی از قبیل شتر و بز که با شرایط خشکی سازگارترند پرورش داده می‌شوند. بخش وسیعی از استان را بیابان شکل داده، که در بسیاری از مواقع نه تنها فاقد هرگونه پوشش گیاهی و حتی فاقد هر گونه جنبنده‌ایست.

علت دیگر بالا بودن شاخص بیکاری و فقر در این استان به نبود صنایع در این استان مربوط می‌گردد. صنایع این استان در شهرستان‌های خاص و اغلب دولتی و آن هم در مقیاس بسیار کوچک می‌باشد. بخشی از این فقدان صنایع به دولت، بخشی مربوط به شرایط جغرافیایی و منابع طبیعی و بخش مهمی از آن به عدم تمایل سرمایه



گذاران خصوصی به ویژه سرمایه گذاران بومی باز می گردد. فضای ناامن و بالا بودن آمار شرارت و جرایمی نظیر آدم ربایی، سرقت، باج گیری و اخاذی و ... باعث ترس سرمایه گذاران از سرمایه گذاری و حتی حضور در استان گردد.

یکی از نتایج وضعیت فوق الذکر، ترس مردم از مسافرت به این استان هاست. این امر استان را از درآمد ناشی از توریسم و ورود مسافران نیز محروم می سازد و گسست استان از بدنه جامعه و نوعی بیگانگی بین اهالی استان و سایر استان ها و مناطق ایران را ایجاد می کند. این در حالی است که رفت و آمد بین مردم این استان به افغانستان و پاکستان و بر عکس برقرار است. این امر باعث افزایش حس تعلق و وفاداری بین آنان خواهد شد و نتایج سیاسی ناخواسته ای را در پی خواهد داشت.

علت دیگر فقر و بیکاری در این استان، نرخ بالای زاد و ولد در استان است. این استان در میان استان های کشور دارای نرخ بالای زاد و ولد و افزایش جمعیت است. جمعیت استان در سال ۱۳۷۵ در حدود یک میلیون و هفتصد هزار نفر بوده و اکنون (۱۳۹۰) در حدود سه میلیون نفر می باشد. وجود ۱۰ فرزند در استان عادی بوده و عواملی از قبیل آب و هوای نامساعد، وجود امراض و فقدان امکانات بهداشتی به ویژه در مناطق روستایی و عشایر، نگاه به فرزند بیشتر به عنوان راهی برای کمک به اقتصاد خانواده، عدم آموزش مناسب جهت تنظیم خانواده، مرگ ناشی از درگیری های بین قومی و مرگ های ناشی از قاچاق و شرارت های رایج در استان و ... در این امر تأثیر گذارند. همین امر به تعمیق هر چه بیشتر فقر می انجامد که با خود متغیرهای ناخواسته ای همچون عدم توان خانواده برای نظارت بر فرزندان، تربیت های نادرست و فرهنگ پایین و خشونت در بین آنان، گرایش آنان به جرایمی از قبیل قاچاق مواد مخدر، امکان فریب آنان توسط قاچاقچیان و گروه های ارتجاعی و مخالفان سیاسی نظام برای سوء استفاده در عملیات خرابکارانه و اجرایی خود ... را به دنبال دارد.

۳. نقش سپاه پاسداران در حفظ امنیت استان سیستان و بلوچستان

سپاه در بدو تشکیل خود به حالت منطقه ای تقسیم شده بود. تفکیک سپاه به پنج نیرو در سال های بعد صورت گرفت. سپاه پاسداران در استان سیستان و بلوچستان در ابتدا با نام سپاه دهم نبی اکرم تشکیل گردید که دارای پایگاه هایی در سطح شهرستان ها بود.



در ابتدا وظایف چندگانه‌ای به سپاه واگذار گردید. به فراخور زمان، اولین وظیفه سپاه مقابله با اشرار و مخالفان نظام و آشوبگران بود. در نوبت بعد جلوگیری از تهاجم مرزی و حفظ استقلال و تمامیت ارضی را عهده‌دار شد. سپاه در کنار این وظایف، هدف محرومیت‌زدایی از استان و کمک به مستضعفین و مستمندان را نیز تعقیب می‌کرد.

سپاه دهم نبی اکرم تا سال ۱۳۷۲ به مأموریت خود ادامه داد. در سال ۱۳۷۳، سپاه دهم نبی اکرم به منطقه مقاومت بسیج تغییر وضعیت داد و زیرمجموعه بسیج قرار گرفت و پایگاه‌های مقاومت در شهرستان‌ها به نواحی مقاومت تغییر پیدا کرد. در سال ۱۳۷۳ قرارگاه قدس سپاه پاسداران با هدف بر عهده گرفتن امنیت منطقه تشکیل گردید. از آنجایی که این قرارگاه فاقد واحد عملیاتی و امنیتی بود، یک تیپ به نام تیپ امام علی از لشکر ۴۱ ثارالله کرمان به استان داده شد، که در سال ۱۳۷۸-۱۳۷۹ به تیپ مستقل «۱۱۰ سلمان فارسی» تغییر نام یافت. وظیفه قرارگاه قدس دیری نپایید و وظیفه امنیت استان به نیروی انتظامی محول گردید. نیروی انتظامی در قالب دو قرارگاه مرصاد و فتح، امنیت را در منطقه برقرار می‌کرد. اتمام شرایط جنگی و آرامش نسبی در داخل کشور و در منطقه و شرکت سپاه در مسائل دیگری از قبیل سازندگی کشور از دلایل مهم این واگذاری بود. در ۲۵ اسفند ۱۳۸۵ حادثه تاسوکی اتفاق افتاد که اشرار اتوبوس سپاه پاسداران متشکل از برخی از پاسداران استان را متوقف کرده و به طرز ناجوانمردانه‌ای به شهادت رساندند که در این حادثه ۲۰ نفر از اعضای سپاه پاسداران به شهادت رسیدند. برای تمرکز مبارزه با ناامنی، قرارگاه «حضرت رسول اکرم نیروی انتظامی» تشکیل شد، که فرماندهی عملیاتی کلیه نیروهای موجود در استان را بر عهده داشت (حقوق‌پناه، ۱۳۸۶: ۳۹).

بعد از حادثه تاسوکی حادثه دیگری روی داد که طی آن ۲۱ نفر از شهروندان ایرانی توسط عبدالحمید ریگی به گروگان گرفته شده و به پاکستان منتقل شدند. البته طی این حادثه استاندار سیستان و بلوچستان به پاکستان رفته و ضمن آزاد کردن گروگان‌ها توسط دولت پاکستان، عبدالحمید ریگی نیز به ایران تحویل داده شد.

بعد از این حوادث و فعال شدن گروهک‌های تروریست در شرق ایران، قرارگاه قدس سپاه دوباره در سال ۱۳۸۷ تشکیل و وظیفه امنیت استان را عهده‌دار شده و فرماندهی عملیاتی کلیه نیروهای حاضر در استان را بر عهده گرفت. اولین فرمانده آن شهید شوشتری بود. شهید شوشتری بعد از حضور در منطقه، در اولین عملیات خود

تحت عنوان عملیات لار ۶۰ نفر از گروهک ریگی را تارومار کرد که طی آن بخشی از آنان به هلاکت رسیده و بخش دیگری به کشورهای مجاور فرار کردند. یک سال قبل از تشکیل قرارگاه قدس در سال ۱۳۸۶ منطقه مقاومت بسیج و نیروی زمینی سپاه پاسداران در یکدیگر ادغام شده و تحت فرماندهی واحد قرار گرفت و «سپاه سلمان فارسی استان سیستان و بلوچستان» با فرماندهی واحد برای دو نیرو شکل گرفت. اولین فرمانده آن شهید محمدزاده بود (همان: ۴۱).

در حال حاضر، قرارگاه قدس فرماندهی عملیاتی کلیه نیروی‌های مستقر در منطقه را بر عهده دارد. نیروهای حاضر در منطقه عبارتند از: قرارگاه قدس، سپاه سلمان استان سیستان و بلوچستان، تیپ ۱۱۰ سلمان فارسی، قرارگاه انصار، مرکز ۲۳ نبوت، که زیرمجموعه‌های سپاه پاسداران می‌باشند.

۳-۱. سیاست‌های سپاه پاسداران در رفع آسیب‌های امنیتی و مبارزه با قاچاق مواد مخدر

وظیفه مقابله با قاچاق مواد مخدر و قاچاقچیان بر عهده نیروی انتظامی و مرزبانی نیروی انتظامی است و سپاه پاسداران با هدف مقابله با قاچاق مواد مخدر در استان فعالیت نمی‌کند بلکه هدف سپاه برقراری امنیت در مفهوم کلی آن است. اما از آنجایی که قاچاقچیان مهم‌ترین عامل ناامنی در استان و بزرگ‌ترین متحدین گروهک‌های تروریستی و بخشی از این گروهک‌ها محسوب می‌شوند. بنابراین هر اقدامی که توسط سپاه برای تأمین امنیت استان شکل می‌گیرد به طور مستقیم به پدیده قاچاق و قاچاقچیان نیز مرتبط می‌گردد. اقدامات انجام شده از سوی سپاه پاسداران برای رفع آسیب‌های امنیتی را می‌توان در قالب موارد ذیل برشمرد:

اجرای طرح انسداد مرزی

همانطور که بیان شد یکی از مهم‌ترین آسیب‌های جمهوری اسلامی ایران در جلوگیری از تردهای غیرمجاز مرزی به طور اعم و مبارزه با قاچاق مواد مخدر به طور اخص عدم وجود انسداد مرزی یا باز بودن و رهاشدگی مرزی است که به متجاوزین به حاکمیت مرزی اجازه می‌دهد در غیاب هر عامل محافظتی از مرز چه انسانی و چه غیرانسانی بتوانند به راحتی در دو سوی مرزها تردد کنند (بینا، ۱۳۸۳: ۲۶).

در ابتدای انقلاب وظیفه مقابله با واردشوندگان از مرز بر عهده ژاندرمری بود.



در واقع قاچاقچیان بعد از عبور از مرزهای ملی، اولین نیرویی که با آن مواجه می‌شدند، ژاندرمری بود. چنانچه از این نیرو رد می‌شدند با نیروهای عقبه یعنی نیروهای کمیته و شهربانی و سپاه مواجه می‌شدند. وظیفه مقابله با قاچاقچیان و سایر عابرین غیرقانونی با این سه نیرو بود. بعد از ادغام سه نیروی کمیته، شهربانی و ژاندرمری در قالب نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، وظیفه مقابله با قاچاقچیان به نیروی انتظامی واگذار گردید. نیروی انتظامی در قالب قرارگاه مرصاد با قاچاقچیان به مقابله می‌پرداخت. اما این مقابله کماکان بعد از ورود به خاک کشور صورت می‌گرفت و مانعی در نقطه صفر مرزی برای توقف واردشوندگان غیرقانونی از قبیل قاچاقچیان نبود. بعد از دیدار مقام معظم رهبری آیت‌الله خامنه‌ای از استان سیستان و بلوچستان مقرر شد قرارگاهی با چهار وظیفه با محوریت قرارگاه مرصاد تشکیل گردد: ۱. انسداد مرزها و جلوگیری از ورود کاروان‌های قاچاق، ۲. مقابله با ورود اتباع بیگانه، ۳. مقابله با اشرا، و ۴. جلوگیری از وقوع جرایم خشن. برای اجرای این چهار طرح، قرارگاه رسول اکرم تشکیل گردید. بعد از واگذاری امنیت استان به قرارگاه قدس سپاه، نیرویی در دل نیروی انتظامی تحت عنوان مرزبانی جمهوری اسلامی در تیر ماه ۱۳۸۸ تشکیل گردید. این نیرو سه وظیفه بر عهده دارد: ۱. اجرای قراردادهای پروتکل‌های مرزی ۲. استیفاء حقوق دولت و اتباع مرزنشین در مرز ۳. کنترل مرز و خط مرزی و جلوگیری از ورود و خروج‌های غیرمجاز. یعنی برای نخستین بار یک نیرو در نقطه صفر مرزی و در مرز وظیفه کنترل عبور و مرورها را بر عهده دارد. اما این نیرو هنوز نتوانسته بیش از محدوده کمی از مرز را مسدود کند و در جلوگیری از تردهای غیرمجاز مؤثر باشد، به طوری که تنها کمتر از ۲ درصد از مواد مخدري که از مرز وارد کشور می‌شود، در کل استان کشف و ضبط می‌گردد سایر کشفیات مواد مخدري که در کشور صورت می‌گیرد در خارج از این استان انجام می‌شود. در واقع هنوز با وضعیت رهاشدگی و بازبودن مرزها مواجه هستیم (بوالوردی، ۱۳۸۴: ۸۱).

در مورد انسداد مرز، از مرز ۱۲۵۰ کیلومتری، تنها ۳۲ کیلومتر از مرز زابل و ۳۵ کیلومتر از مرز میرجاوه مسدود شده و مورد مراقبت است. در این مسافت ۶۷ کیلومتری ۱۰۰ پاسگاه مرزی و ۲۰۰ برجک وجود دارد که البته به علت عدم دسترسی

مناسب برای تأمین نیازهای نیروها و تعویض و تجهیز به موقع و مناسب آنها بخشی از این برجک‌ها و پاسگاه‌ها بدون نیروست. همچنین ۴۵۰ کیلومتر حفر کانال را در مرز داریم. که به علت شرایط آب و هوایی به مرور زمان از طریق عوامل طبیعی از قبیل جریان‌های باد و باران و عوامل انسانی مانند قاچاقچیان و مردم محلی در حال پر شدن و یا قابل عبور گشتن می‌باشد. این کانال تنها همانند یک مانع طبیعی رها شده است و هیچ گونه مراقبتی از آن صورت نمی‌گیرد و نیرویی در اطراف آن مستقر نشده است. ضمن این‌که این موانع در جایی ایجاد شده که زمین کاملاً حالت مسطح است (از آنجایی که چنین راه‌هایی به راحتی از فواصل طولانی قابل رؤیت است و همچنین در هنگام درگیری‌ها و تعقیب و گریزها برای قاچاقچیان نامساعدند کمتر توسط آنها مورد استفاده واقع می‌شوند و قاچاقچیان ترجیح می‌دهند از مناطق کوهستانی - تپه‌ای و ناهموار و نزدیک به روستاها و عشایر مرزی تردد کنند).

در واقع به علت شرایط کوهستانی و هزینه بسیار زیاد ایجاد موانع مرزی و مهم‌تر از آن ایجاد راه‌های ارتباطی و تجهیزات هوایی برای حمایت از نیروهای مستقر در مرز و دستگیری سریع قاچاقچیان قبل از رسیدن به مناطق روستایی و یا پنهان شدن در مخفیگاه‌های طبیعی و انسانی و عدم انسداد مرزی از طرق مختلفی همچون انسداد فیزیکی (از طریق احداث دیوار، سیم خاردار، احداث پاسگاه‌ها و برجک‌های مرزی، انسداد تنگه‌ها، آبراه‌ها)، انسداد الکترونیکی (از طریق دوربین‌های مدار بسته، استفاده از ماهواره)، استقرار تجهیزات پیشرفته هوایی و تجهیز به ابزارهایی همچون دوربین‌های دید در شب، سیستم‌های مجهز به اشعه مادون قرمز برای تشخیص خودروها و سایر امکانات مستتر شده از دید و ... عملاً مرز رها شده و باز است و این امر نه تنها امکان تردد را برای قاچاقچیان فراهم آورده بلکه ورود مهاجران افغان، ورود تروریست‌ها و سایر تردهای غیرمجاز در مرز را نیز تسهیل کرده است (حق‌پناه، ۱۳۸۶: ۴۳).

بنابراین اولین قدم در مبارزه با قاچاق مواد مخدر و تردهای غیرمجاز در مرز، انسداد مرزی است. سپاه پاسداران با توجه به عهده‌دار بودن مسئولیت امنیت منطقه و آشنایی طولانی مدت با منطقه و تجهیزات و سابقه اجرایی در استان وظیفه اجرای طرح انسداد مرزی را عهده‌دار شده است. بودجه انسداد مرز شرقی ۱۰۰ میلیارد تومان اعلام شده که بخشی از آن متعلق به استان سیستان و بلوچستان است. البته با توجه به



حساسیت این مرز و حوادث پیش آمده و افزایش ترورها در این استان انتظار می‌رود سهم بیشتری از این بودجه به این استان اختصاص یابد. به گفته مسئولین نمی‌توان دیواری از انسان را در مرز به ویژه با توجه به شرایط این استان ایجاد کرد.

محرومیت‌زدایی و تلاش برای بهبود وضعیت اقتصادی خانواده

همانطور که گفته شد مردم استان به ویژه بلوچ‌ها دچار فقر مفرط اقتصادی‌اند. بیکاری و فقدان شغل، نرخ بالای زاد و ولد، شرایط جغرافیایی و عدم وجود امکان کشاورزی و بازرگانی نامناسب دامداری و فقدان صنایع و امکانات پایه‌ای، باعث گردیده که ضمن تمایل مردم به قاچاق مواد مخدر برای فرار از فقر، مشروعیت دولت کاهش یابد و احساس تبعیض افزایش یابد. در نتیجه، اعتماد و همکاری با دولت نیز سیر نزولی داشته باشد. وجود این شرایط باعث گردیده که سپاه یکی از کانون‌های اصلی فعالیت خود را بر محور اقتصاد و محرومیت‌زدایی از استان و ارتقای اقتصاد استان به ویژه اقشار فقیر قرار دهد. به گفته فرمانده قرارگاه قدس یکی از تفاوت‌های اصلی حضور سپاه در استان نسبت به دوره‌های قبل نگاه جامع به مشکلات استان و محرومیت‌زدایی از استان است. این هدف از طریق قرارگاه سازندگی و بسیج سازندگی سپاه پاسداران انجام می‌شود.

فعالیت‌های انجام شده گروه‌های جهادی (آل یاسین) در استان سیستان و بلوچستان^۱

عنوان	تعداد	سال	محل ساخت
ساخت مدرسه	۳	۱۳۸۲	دلگان ایرانشهر
ساخت مسجد	۳	۱۳۸۲	دلگان ایرانشهر
ساخت مدرسه	۳	۱۳۸۵	مناطق محروم سیستان
ساخت مسجد	۳	۱۳۸۵	مناطق محروم سیستان
ساخت خوابگاه‌های شبانه‌روزی	۲	۱۳۸۵	مناطق محروم سیستان
ساخت جایگاه‌های بهداشتی دام	۱۲۰	۱۳۸۵	مناطق محروم سیستان
ساخت منبع هوایی آب	۱۰	۱۳۸۵	مناطق محروم سیستان



فعالیت‌های انجام شده در بسیج سازندگی سپاه سلمان در همکاری با جهاد کشاورزی^۱

ایام سال	تعهد(نفر روز)	عملکرد(نفر روز)
۱۳۷۹	۸۳/۲۰۰	۱۳۸/۷۰۰
۱۳۸۰	۱۱۳/۱۷۶	۱۵۴/۶۴۴
۱۳۸۱	۱۲۸/۶۷۸	۱۴۶/۶۷۹
۱۳۸۲	۱۶۰/۵۰۰	۲۸۲/۲۳۷
۱۳۸۳	۱۲۰/۰۰۰	۲۴۷/۰۷۶
۱۳۸۴	۱۴۵/۰۰۰	۱۸۴/۶۹۵
۱۳۸۵	۷۲/۰۰۰	۴۱/۰۰۰
۱۳۸۶	۷۲/۰۰۰	۱۰۳/۳۷۲
۱۳۸۷/۹/۱		۱۰/۰۰۰
جمع کل	۸۹۴/۵۵۴	۱/۲۹۸/۴۰۳



عملکرد اردوهای هجرت بسیج سازندگی سپاه سلمان سیستان و بلوچستان تا سال ۱۳۸۷^۲

عنوان سازمان	عملکرد
بهداشت و درمان	۴۸۴۵۶
جمعیت هلال احمر	۴۰۰۰۰
سازمان حفاظت محیط زیست	۶۶۹۹
کمیته امداد(ره)	۳۶۲۴
آموزش و پرورش	۳۲۴۹۶
سازمان بسیج اقتصادی	۸۰۰۰
منابع طبیعی	۷۰۰۰۰
دامپزشکی	۱۰۰۰۰
منابع روستایی	۲۰۰۰
استانداری	۲۰۰۰۰۰
فنی حرفه‌ای	۵۰۰۰
سازمان اوقاف	۱۰۰۰۰
استانداری	۷۰۰۰۰
جمع کل:	۵۰۶۲۷۵

۱. (هاشمی، ۱۳۸۸: ۵۹)

۲. (همان: ۶۳ و ۶۲)

عملکرد بسیج سازندگی سپاه سلمان در کمک به دولت^۱

سال	نوع عرصه	تعداد (نفر)	تعداد (نفر روز)
۱۳۸۵	بهسازی و بازسازی مداس	۴۲۸	۲۹۹۶۰
۱۳۸۵	منابع طبیعی، کشاورزی و آبخیزداری	۱۵۳	۱۰۷۱۰
۱۳۸۵	خدمات عمرانی و آبادانی روستاها	۳۳۵	۲۳۴۵۰
۱۳۸۵	خدمات عمرانی آموزش و پرورش	۱۰۰	۷۰۰۰
۱۳۸۵	خدمات حمایتی	۱۰۰	۷۰۰۰
۱۳۸۵	خدمات بهداشتی و درمانی	۲۸	۱۹۶۰
۱۳۸۶	بهسازی و بازسازی مدارس	۱۱۶۲۰	۸۱۳۴۲
۱۳۸۶	فنی، حرفه‌ای و مهارتی	۷۰	۵۱۰
۱۳۸۶	خدمات عمرانی و آبادانی روستایی	۷۴۲	۵۲۰۰
۱۳۸۶	خدمات علمی، آموزشی و پژوهشی	۲۶۲۰	۱۸۳۴۵
۱۳۸۶	خدمات بهداشتی و درمانی	۱۹۰	۱۳۳۴۲
۱۳۸۶	خدمات حمایتی	۱۰۳	۷۲۱۸
۱۳۸۷	بهسازی و بازسازی	۱۵۷۷	۴۸۳۸۲
۱۳۸۷	خدمات علمی و پژوهشی	۱۵۵	۱۰۸۶۸
۱۳۸۷	خدمات علمی و آموزشی	۱۰۹	۷۶۵۵
۱۳۸۷	خدمات بهداشتی و درمانی	۴۱۵	۵۵۰۳
جمع کل		۱۸۷۴۵	۲۷۸۴۴۵



۱۷۶

سال اول
شماره ۱
بهار ۱۳۹۱

فعالیت‌های انجام شده در ستاد کشت و صنعت ایثارگران

قرارگاه خاتم‌الانبیاء سپاه مجری طرح انتقال گاز از عسلویه به ایرانشهر و از آنجا به زاهدان است. زاهدان به عنوان مرکز استان، فاقد گاز شهری است. پروژه دیگر قرارگاه خاتم‌الانبیاء انتقال راه‌آهن کرمان به زاهدان است. با توجه به شرایط آب و هوایی و وضعیت نامساعد جاده‌ای، وجود راه‌آهن برای استان بسیار ضروری است. قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء در سایر پروژه‌های استان از قبیل احداث بیمارستان‌های تخصصی به ویژه بیمارستان‌های صحرایی، سدسازی، جاده‌سازی و ... نیز فعال است. یکی از مهم‌ترین مزیت‌های سپاه برای انجام چنین پروژه‌های امکان‌تأمین امنیت برای پروژه می‌باشد. هر پروژه‌ای که در استان انجام می‌شود، برای مصون ماندن از حملات تروریستی نظیر نقشه انفجار راه‌آهن کرمان - بم یا حفظ اموال شرکت از سرقت و دزدی توسط قاچاقچیان و سایر خلافکاران نیاز قطعی به یک نیروی نظامی دارد و سپاه پاسداران به علت توان نظامی در کنار توان اقتصادی دارای مزیت نسبی برای انجام پروژه‌های بزرگ در استان می‌باشد (مصاحبه شخصی نویسنده).

از دیگر اقدامات سپاه پاسداران برای محرومیت‌زدایی و کمک به اقتصاد خانواده، توزیع سبدهای غذایی در بین محرومین و خانواده‌های بی‌بضاعت است. سبدهای غذایی شامل اقلامی نظیر برنج، روغن، قند و .. می‌باشد. قرارگاه محرومیت‌زدایی، نزدیک به ۶۰۰۰۰ سبد غذایی در بین مردم توزیع کرده که ارزش ریالی آن ۳۰۰۰۰۰ ریال برای هر سبد غذایی می‌باشد. همچنین سپاه در زمان‌های مشخصی چون اعیاد، ماه رمضان و .. با برقراری سفره‌های غذایی، خانواده‌های تهدیدست را به این سفره‌ها دعوت می‌کند. کمک به خانواده‌های فقیر جهت تهیه نیازهای مختلف از قبیل خرید تلوزیون، یخچال، تهیه جهیزیه، تعمیر مسکن و .. از دیگر اقدامات سپاه پاسداران است. این عملکردها ضمن ارتقای اقتصاد خانواده‌های فقیر و کاهش زمینه‌های اقدام به جرم از جمله قاچاق مواد مخدر و کمک به محرومان، به گسترش مشروعیت حکومت و همکاری مردمی در برقراری امنیت به عنوان بزرگ‌ترین راهکار برقراری امنیت در استان کمک می‌کند (مصاحبه شخصی نویسنده).



برقراری امنیت به وسیله سران قبایل

همانطور که گفته شد فرهنگ قبیله‌ای کاملاً بر مردم استان حاکم بوده و از نمادهای بارز این فرهنگ اطاعت کامل از رئیس قبیله می‌باشد. وفاداری به قانون جای خود را به وفاداری به رئیس قبیله داده و رئیس قبیله در تنظیم و کنترل رفتار اعضای قبیله خود نقش اساسی دارد و جهت‌گیری‌های رئیس قبیله تعیین‌کننده‌ترین عامل در جهت‌گیری‌های اعضای قبیله به شمار می‌رود. سپاه با وقوف به این امر بر خلاف سایر نیروها که در قالب قوانین و نهادهای رسمی عمل می‌کنند، سعی در استفاده از این فضا نموده است. بعد از تشکیل قرارگاه قدس، شهید شوشتری به عنوان اولین فرمانده قرارگاه، رؤسای تمام قبایل را دعوت کرد و با آنها تشکیل جلسه داد و سعی کرد از طریق آنها امنیت را در استان برقرار سازد. این رویه بعد از شهادت شهید نورالله شوشتری، هم‌چنان در سپاه دنبال می‌شود. رؤسای قبایل در زمان‌های مختلف با مسئولین سپاه تشکیل جلسه داده و ضمن بحث در مورد عوامل ناامنی و راهکارهای برقراری امنیت در استان، نقشی را در برقراری امنیت بر عهده می‌گیرند. سردار محمد علی جعفری، فرمانده کل سپاه پاسداران، در سخنرانی خود بعد از حادثه تروریستی در ایرانشهر بر نقش سران قبایل در برقراری امنیت هم‌چنان تأکید کرد؛ این امر باعث گردیده که قاچاقچیان و تروریست‌ها حملات تروریستی خود را که قبلاً متوجه افراد و مسئولین غیربومی و غیربلوچ بوده تغییر داده و خود رؤسای قبایل به عنوان یکی از اهداف تروریستی آنان به شمار می‌رود (مصاحبه شخصی نویسنده).

استفاده از سران قبایل در برقراری امنیت مزیت‌های بسیار زیادی دارد. وفاداری مردم قبیله به رئیس قبیله و اطاعت از او که باعث می‌گردد که مردم در اختفای قاچاقچیان و تروریست‌ها همکاری نکرده و محل اختفای وی را معرفی نمایند، از طرف دیگر تمام افراد قبیله به عنوان یک عامل اطلاعاتی با رؤسای قبایل همکاری می‌کنند و تمام دیده‌ها و اطلاعات خود را به وی ارائه می‌کنند. این در حالی است که قاچاقچیان اجازه نمی‌دهند یک نفر از خارج از قبیله در روستا مستقر شود و بلافاصله وی را ترور می‌کنند، اما ساکنان روستا به علت بومی بودن و ارتباط و اعتماد به یکدیگر اطلاعات بهتر و بیشتری از حوادث روستاها و ورود و خروج‌های آن دارند که این امر نقش مهمی در شناسایی و دستگیری قاچاقچیان



دارد. همچنین جابه‌جایی قاچاقچیان از یک روستا یا عشایر به دیگری باعث نمی‌شود که برای شناسایی وی دچار مشکل شوند، چون رؤسای قبایل از بستگان یکدیگر بوده و از این طریق می‌توانند در هر قبیله‌ای چنانچه مجرمی وجود داشته باشد به راحتی توسط خود مردم، وی را دستگیر کنند. این در حالی است که هر کدام از نیروهای نظامی ممکن است در برخی از روستاها نفوذ داشته باشند. از این‌رو، رؤسای قبایل در بسیاری از عملیات‌های سپاه و سایر ارگان‌ها و شناسایی و دستگیری اشرار نقش مهمی را بازی کرده‌اند (مصاحبه شخصی نویسنده).

تشکیل دسته‌های رزمی

یکی از ابتکارات سپاه پاسداران تشکیل یک نیروی انتظامی امنیتی توسط جوانان قبایل است. همانطور که مقام معظم رهبری فرموده‌اند مرز نشینان مرزبانان واقعی کشورند. اما برای این که امر جلوگیری از تردهای غیرمجاز در مرز از جمله تردد قاچاقچیان به طور تخصصی‌تر و سازمان‌یافته‌تر انجام شود، رؤسای قبایل تعدادی از جوانان را به سپاه پاسداران معرفی می‌نمایند. سپاه پاسداران ضمن آموزش آنها و تجهیزشان، حقوق ماهیانه‌ای را به آنان اختصاص داده است. آشنایی این جوانان به طایفه و منطقه و افراد مجرم، تعلق این جوانان به طایفه و حمایت اعضای طایفه از وی، ارتقای اقتصاد خانواده‌های این جوانان و افزایش وفاداری آنان به دولت و افزایش همکاری با سپاه پاسداران در برقراری امنیت، از جمله مزایایی این طرح است. از طرف دیگر رئیس قبیله برای دستگیری و تعقیب مجرمان دارای یک نیروی همیشه آماده می‌باشد. هر چند این نیروها تحت فرمان خود سپاه پاسداران هستند اما بنا به دستور سپاه موظف به همکاری با رؤسای قبایلند. از طرف دیگر از آنجایی که امکان اغفال این جوانان توسط قاچاقچیان و اشرار و ... وجود دارد؛ رئیس قبیله مسئول نظارت بر آنهاست و در قبال آنها مسئولیت دارد. این دسته‌های رزمی از طریق ایجاد ایست بازرسی‌ها، گشت‌زنی در منطقه، همکاری با نیروی انتظامی و مرزبانی، شرکت در عملیات مختلف سپاه و سایر نیروها نقش مهمی در کاهش امنیت فضا برای قاچاقچیان مواد مخدر و کاهش قاچاق دارند.



تشکیل و حمایت از عشایر مرزبان

همانطور که گفته شد عشایر سیستان و بلوچستان در کل استان به ویژه در حاشیه مرزی پراکنده‌اند و حتی در دو سوی مرزها در رفت و آمدند، به طوری که کوه‌های پاکستان برای برخی از عشایر به عنوان محل بیلاق محسوب می‌گردد. این امر مورد توجه قاچاقچیان بوده و سعی کرده‌اند از این امر در راستای قاچاق مواد مخدر استفاده کنند. وجود عشایر در این استان برای حکومت یک وضعیت دوگانه فرصت و چالش به وجود آورده است. چالش‌های آن همانطوری که در صفحات قبل مورد بررسی واقع شد استفاده از آنان و حتی ایجاد عشایر و سپاه چادرهایی برای تسهیل امر قاچاق است اما در عین حال این امر یک فرصتی برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر است. از آنجایی که این عشایر در بیابان‌ها، کوهستان‌ها و کل استان پراکنده‌اند، به راحتی می‌توانند قاچاقچیان را که از این مکان‌ها عبور می‌کنند را ببینند. این امری است که سایر نیروها به علت عدم استقرار دائم در این مکان‌ها نمی‌توانند انجام دهند. چنانچه حکومت بتواند وفاداری آنان را بهتر از قاچاقچیان به دست آورد از یک نیروی سیال بزرگی برخوردار خواهد شد. این امر امنیت فضا را از قاچاقچیان سلب خواهد کرد و قاچاقچیان نه تنها نمی‌توانند از توان حمایتی و کمکی عشایر استفاده کنند بلکه هر لحظه امکان دارد با نیروی عشایر مواجه گردند که اگر درگیر هم نشوند عشایر می‌تواند خبر ورود قاچاقچیان را به نیروی‌های مربوطه داده و در دستگیری آنها نقش بزرگی ایفاء نمایند (مصاحبه شخصی نویسنده). سپاه پاسداران همانطور که در روستاها به ایجاد دسته‌های رزمی اقدام می‌کند، از ظرفیت عشایر نیز در برقراری امنیت استفاده می‌کند. عشایر به طرق گوناگون از جمله جلوگیری از تردها، اطلاع‌رسانی در هنگام تردها، شرکت در عملیات شناسایی و دستگیری و... در استان فعالیت می‌نماید.

تشکیل پایگاه‌های بسیج در سطح روستا

یکی از بازوهای اصلی سپاه پاسداران در انجام وظایف خود بسیج است. اهمیت بسیج تا حدی است که سردار جعفری، فرمانده کل سپاه پاسداران، همه پاسداران را بسیجی می‌نامد. بسیج در استان سیستان و بلوچستان اهمیت و کارکردی مضاعف دارد. جوانان و نیروهای خودجوش که در قالب بسیج سازماندهی شده‌اند، در



۱۸۰

سال اول
شماره ۱
بهار ۱۳۹۱

برقراری امنیت نقش ویژه‌ای ایفاء مینمایند. یکی از وظایف پایگاه‌های بسیج، ایجاد مراکز ایست بازرسی و گشت‌زنی در منطقه است، به ویژه زمانی که خبری مبنی بر ورود مواد مخدر به منطقه به دست بیاورند. بنابراین احتمال اینکه هر لحظه بسیج و قاچاقچیان با یکدیگر مواجه شوند زیاد است.

طبق قانون، سه نیرو در کشف و ضبط مواد مخدر در ایران فعالیت دارند که عبارتند از نیروی انتظامی، وزارت اطلاعات و بسیج. بسیج یکی از سه نیرویی است که هم به طور مستقل و هم در همکاری با سایر نیروها به کشف و ضبط مواد مخدر و دستگیری قاچاقچیان می‌پردازد. بسیج علاوه بر شرکت در ایست و بازرسی‌هایی که توسط مرزبانی و نیروی انتظامی ایجاد می‌شود خود نیز مستقلاً اقدام به ایجاد مراکز ایست و بازرسی در مناطق مختلف به ویژه در مناطقی مثل مبادی ورودی روستاها و همچنین بازرسی در هنگام گشت‌زنی در منطقه می‌پردازند. بعد از کشف مواد و دستگیری مجرمان، نیروهای بسیجی آنها را به نیروی انتظامی تحویل می‌دهند و طبق قانون نیروی انتظامی موظف است متهمانی که توسط بسیج دستگیر می‌شوند تحویل گرفته و مراحل قضایی را طی نماید (مصاحبه شخصی نویسنده).

در برخی از مواقع به ویژه زمانی که نیروی انتظامی به نیروهای کمکی نیاز دارد، بسیج نقش ارزنده‌ای ایفاء می‌کند. به علت پراکندگی پایگاه‌های بسیج در کل استان است این نیرو می‌تواند بلافاصله وارد عمل شود و کمبودها را جبران کند. بسیج در این استان مسلح بوده و از آموزش‌های مناسبی برخوردار است.

یکی از مهم‌ترین عملکردهای بسیج، همکاری اطلاعاتی با سایر نیروهاست. بسیج با توجه به مردمی بودن و گستره آن از توان اطلاعاتی زیادی برخوردار است. پایگاه‌های بسیج در استان دارای همکاری تنانگی با سایر نیروها در استان می‌باشد به طوری که در همه عملیات و دستگیری‌های مهم شرکت داشته‌اند. بسیج علاوه بر عملکرد نظامی و همکاری با سایر نیروها سعی در جذب و آموزش جوانان از نقطه نظر سیاسی، نظامی، فرهنگی دارد.

بسیج در استان در قالب دو گردان الزهرا و عاشورا سازماندهی شده است. گردان عاشورا در جریان ایجاد ناامنی‌های شهری سازماندهی شده توسط اشرا و قاچاقچیان و مخالفان سیاسی نظام و گردان الزهرا در راستای اقدامات امداد و نجات فعالیت



می‌کنند. قاچاقچیان برخی از مواقع برای انحراف پلیس از امر قاچاق و مشغول کردن نیروهای انتظامی از طریق عوامل خود دست به ایجاد ناامنی در سطح شهرها با عنوان مخالفان سیاسی و مذهبی می‌زنند. چنین حوادثی اگر چند ساعت تداوم یابد، به نیروهایی برای مهار آن نیازمند است. در این مواقع می‌تواند بسیج به برقراری امنیت در سطح شهرها کمک کند تا نیروی انتظامی بتواند از سایر وظایف خود غافل نشود.

استقرار نیرو در نقاط حساس مرزی و برپایی رزمایش

برخی از نقاط مرزی حساس بوده و ممکن است در مقاطع زمانی خاص، حجم بسیار زیادی از مواد مخدر از آنجا عبور کند یا تردهای غیرمجاز در آن نقطه افزایش یابد یا اخباری از طریق پایگاه‌های بسیج، عشایر، رؤسای قبایل و... مبنی بر عبور یا احتمال تردهای مهم از قبیل کاروان‌های قاچاق به دست آید؛ در این مواقع سپاه اقدام به استقرار تیپ‌ها و اردوها و برپایی رزمایش در آن مناطق می‌کند که نقش بسیار مهمی در کاهش قاچاق مواد مخدر و تردهای غیرقانونی دارد. البته این استراتژی دارای نتایج کوتاه مدت بوده و صرفاً برای مدتی قاچاقچیان را سردرگم کرده و حجم قاچاق را کاهش می‌دهد، اما آنها بعد از مدتی مسیر قاچاق را تغییر می‌دهند. این برنامه در کوتاه مدت و مقاطع زمانی خاص به ویژه در هنگام برداشت محصول در کشورهای افغانستان و پاکستان و افزایش ترانزیت در مناطق خاص، بسیار موثر است (مصاحبه شخصی نویسنده).

قرار دادن برخی نقاط در برد توپخانه‌ای

به دلیل شرایط جغرافیایی استان سیستان و بلوچستان، عملاً امکان انسداد فیزیکی مرز در برخی از نقاط مرزی وجود ندارد و برخی دیگر از اشکال انسداد نیز با محدودیت مواجه می‌باشد. برای مثال انسداد الکترونیکی به خاطر عدم همکاری کشورهای پیشرفته در انتقال تکنولوژی به کشورمان با مشکل مواجه است یا کمبود بودجه از سرعت اجرای طرح انسداد مرزی می‌کاهد. همچنین به علت شرایط کوهستانی و نامساعد در برخی از نقاط قاچاقچیان که مجهز به انواع تسلیحات می‌باشند به راحتی می‌توانند نیروها و تجهیزات نیروی نظامی از قبیل هلیکوپتر و ماشین و... را مورد



هدف قرار دهند. در چنین شرایطی اعزام نیرو به محل، نوعی مخاطره برای نیروها و تجهیزات است، بنابراین در این مواقع، استفاده از برد توپخانه برای هدف گرفتن قاچاقچیان و تردهای غیرقانونی بسیار مناسب است. از این رو، سپاه پاسداران به استقرار توپخانه در مناطق مرزی اقدام کرده است. سپاه هم به صورت مستقل و هم در مناطقی از قبیل پایگاه‌های مرزبانی به استقرار توپ و سکوی موشکی اقدام نموده است و چنانچه با کاروان‌های قاچاق یا هر نوع تجاوز مرزی مواجه شود از توپخانه و پرتاب موشک برای منهدم کردن و فراری دادن کاروان‌ها و ترددکنندگان استفاده می‌کند (مصاحبه شخصی نویسنده).

دستگیری قاچاقچیان، اشرار و عوامل مخل امنیت

همانطور که گفته شد قاچاقچیان بعضاً برای پنهان کردن ماهیت اصلی فعالیت‌های خود به مخالفت با نظام سیاسی می‌پردازند یا مخالفان نظام سیاسی از قاچاق مواد مخدر به عنوان بزرگ‌ترین منبع مالی خود استفاده می‌کنند. قاچاقچیان بزرگ‌ترین عاملان شرارت از قبیل گروگان‌گیری، سرقت مسلحانه و ترور مسئولین انتظامی می‌باشند و در عین حال به عنوان یکی از بازوهای اجرایی و کمکی تروریست‌ها به اشکال مختلف می‌باشند. در نتیجه، دستگیری یک مخالف سیاسی، یک شرور، یک قاچاقچی یا یک تروریست، ضمن ارتقای امنیت به کاهش قاچاق مواد مخدر منجر می‌شود زیرا همه آنها پیوند بزرگی با پدیده قاچاق دارند. سپاه پاسداران با توجه به وظیفه اصلی خود در برقراری امنیت و ظرفیت اطلاعاتی و اجرایی خود به شناسایی و کشف و دستگیری افرادی که مسئولیت هدایت این شبکه‌ها را بر عهده دارند، می‌پردازد و در این امر موفقیت‌های چشمگیری به دست آورده است. یکی از مهم‌ترین عملیات سپاه، دستگیری ریگی بود که مایه تحسین جهانی شد. در مورد دیگر، سپاه در یک اقدام سریع ۶ گروگان ایرانی که شامل ۵ سرباز و یک کارمند بانک بود را آزاد کرد. خدابخش شه بخش، قصد انتقال این گروگان‌ها به پاکستان را داشت و آنها را فرماندهان ارتش معرفی می‌کرد. سپاه در یک عملیات ضمن آزاد کردن گروگان‌ها، شه بخش و همدستان وی را به هلاکت رساند (مصاحبه شخصی نویسنده).



بصیرت افزایی و جذب سیاسی در استان

سپاه پاسداران برای گسترش آگاهی و جذب مردم استان در نظام و افزایش همکاری آنان به اقدامات مختلفی دست می‌زند که از جمله می‌توان به انتشار و توزیع نشریاتی از قبیل سراج بسیجی، ماهنامه هدایت، ماهنامه میثاق، ماهنامه اخوت (ویژه برادران اهل سنت) و... در میان مردم اشاره کرد. برگزاری همایش برای عشایر و قبایل، اجرای طرح‌های تبلیغی همانند طرح الهادی و مبین که ۴۰ هزار بسیجی استان را تحت پوشش قرار داد، رصدهای سیاسی تبلیغات مخالفان سیاسی و قاچاقچیان و اشرار برای جلوگیری از فریب و اغفال مردم. در واقع سپاه پاسداران سعی دارد از طریق بصیرت‌افزایی مردم و جلوگیری از الحاق مردم به سازمان‌های قاچاق و شرارت، جلوگیری کند (مصاحبه شخصی نویسنده).

فرماندهی عملیاتی کلیه نیروی‌های نظامی در استان

قرارگاه قدس سپاه پاسداران مسئولیت امنیت کل استان را بر عهده دارد و بر این اساس، همه نیروهای نظامی تحت فرماندهی عملیاتی این قرارگاه می‌باشند. این نیروها در عین رعایت سلسله مراتب موجود در داخل نیرو و پذیرش دستورات مقامات همان نیرو، موظفند برای انسجام و هماهنگی بین نیروها و برقراری امنیت، تحت فرمان عملیاتی این قرارگاه می‌باشند. این امر ضمن افزایش هماهنگی بین نیروها نقاط ضعف یکدیگر را پوشش می‌دهند. برای مثال زمانی که نیروی انتظامی برای مقابله با قاچاقچیان دچار مشکل شود و نیاز به نیرو و یا سایر امکانات از قبیل پوشش هوایی و... داشته باشند یا قاچاقچیان به هر نحوی از آنان عبور کنند قرارگاه قدس در درجه اول از طریق امکانات و نیروهای سپاه و در درجه دوم از طریق سایر نیروهای مستقر در منطقه به پشتیبانی از آن نیرو می‌پردازد. در واقع یک نیرو علیرغم داشتن وظیفه تخصصی خود، تحت حمایت سایر نیروها نیز می‌باشد. این امر با توجه به حساسیت منطقه و کمبود امکانات نیرویی مثل مرزبانی که تازه تأسیس شده و هنوز به آن تجهیزات و تجربه مورد نیاز دست نیافته بسیار ضروری است.



نتیجه گیری

ایران یک بازار مصرفی مناسبی برای مواد مخدر محسوب می‌شود، بازاری که در حال گسترش است. این مواد عموماً از طریق مرز استان سیستان و بلوچستان وارد کشور می‌شود. این استان در طول سی سال بعد از انقلاب در بهترین شرایط خود نتوانسته بیشتر از ۲ درصد از مواد مخدر وارد شده به کشور را در خوشبینانه‌ترین شرایط کشف کند. این امر باعث شده که مواد مخدر وارد شده در کل کشور پخش شده و به گسترش اعتیاد بیانجامد و علیرغم تمام تلاش‌هایی که نیروی انتظامی و اطلاعات و بسیج برای کشف مواد مخدر انجام می‌دهند، نتوانند بیشتر از ۱۰ تا ۱۵ درصد مواد مخدر وارد شده به کشور را کشف و ضبط کنند. در واقع، سیاست مقابله با تهدید به عنوان مهم‌ترین استراتژی تعقیب شده توسط جمهوری اسلامی ایران نتوانسته به مهار این پدیده بپردازد، هر چند که نزدیک به ۸۰ درصد از تریاک کشف شده در جهان متعلق به ایران است. علت این امر وجود آسیب‌های امنیتی در مقابل پدیده قاچاق مواد مخدر در دروازه ورودی آن یعنی مرزهای استان سیستان و بلوچستان می‌باشد. این آسیب‌ها عبارتند از: آسیب‌های جغرافیایی، آسیب‌های فرهنگی - اجتماعی؛ و آسیب‌های اقتصادی. این آسیب‌ها باعث شده علاوه بر موفقیت قاچاقچیان سایر عوامل ناامنی در استان از قبیل تروریست‌ها و اشرار نیز فضای مناسبی برای عمل داشته باشند.

با توجه به این شرایط سپاه پاسداران که مسئولیت امنیت استان را بر عهده گرفته علاوه بر تعقیب سیاست مبارزه با تهدیدات و عوامل ناامنی، سیاست جدید خود را بر ایجاد امنیت همه جانبه و رفع آسیب‌ها مبتنی کرده که اجرای این سیاست‌ها چشم‌انداز مناسبی را برای آینده این منطقه رقم زده است.



منابع

- تریف، تری و همکاران(۱۳۸۳)، مطالعات امنیتی نوین، علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- رحمدل، منصور(۱۳۸۵)، اعتیاد و سوء مصرف مواد مخدر در ایران، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال سوم، شماره ۹.
- برومند، شهرزاد(۱۳۸۶)، آثار دادوستد غیر قانونی مواد مخدر بر توسعه اقتصادی، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، مهر و آبان ۱۳۸۶.
- قربانیان، حسین(۱۳۸۳)، قاچاق مواد مخدر و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران.
- حق پناه، جعفر(۱۳۸۶)، قاچاق مواد مخدر و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، تابستان ۸۶.
- مرتضوی قهی، علی(۱۳۸۲)، قاچاق بین المللی مواد مخدر و حقوق بین الملل، تهران: ستاد مبارزه با مواد مخدر.
- محبوبی منش، حسین(۱۳۸۲)، اعتیاد مردان تهدیدی علیه زن و خانواده، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، زمستان ۸۲.
- بینا(۱۳۸۳)، اعتیاد و قاچاق مواد مخدر در ایران / مقالات اولین همایش ملی، تهران: آگاه.
- هاشمی، علی(۱۳۸۸)، ارزیابی تحولات و آخرین وضعیت اعتیاد در کشور، ماهنامه گزارش، آبان ۸۸.
- بوالوردی، مجید(۱۳۸۴)، تولید مواد مخدر در افغانستان و تأثیر آن بر امنیت جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، بهار ۸۴.
- مصاحبه شخصی نگارنده با سرهنگ مشایخی معاون عملیاتی سپاه سلمان استان سیستان و بلوچستان.
- مصاحبه شخصی نگارنده با ستوان لک زائی کارشناس ارشد عملیاتی سپاه سلمان استان سیستان و بلوچستان.
- مصاحبه شخصی نگارنده با سرهنگ فیاض از اعضای معاونت اطلاعات سپاه سلمان استان سیستان و بلوچستان.
- مصاحبه شخصی نگارنده با مسئولین معاونت سیاسی سپاه سلمان استان سیستان و بلوچستان .
- مصاحبه شخصی نگارنده با معاونت مرزبانی استان سیستان و بلوچستان.



- مصاحبه شخصی نگارنده با ستوان کولیوند از معاونت عملیات و مبارزه با قاچاق مرزبانی استان سیستان و بلوچستان.

- مصاحبه شخصی نگارنده با ریاست معاونت معاهدات و قراردادها مرزبانی استان سیستان و بلوچستان.

- مصاحبه شخصی نگارنده با معاونت عملیاتی و مبارزه با قاچاق مرزبانی استان سیستان و بلوچستان

- مصاحبه شخصی نگارنده با آقای کرد مدیر کل امنیتی استانداری استان سیستان و بلوچستان.

- مصاحبه شخصی نگارنده با مردم در استان سیستان و بلوچستان.

- سایت خبرگزاری فارس <http://www.farsnews.com>

- سایت ستاد مبارزه با مواد مخدر <http://dchq.ir/html>

- سایت خبرگزاری دویچه وله <http://www.dw-world.de>

- Phil William;transnational1994,**criminal organization and international security**;survival,36, spring.

